

فهرست

مقدمه.....	۹
حجاب در ترازوی اخلاق	۱۳
ارتداد در ترازوی اخلاق	۳۷
ازدواج عرفی در ترازوی اخلاق	۵۵
ازدواج عرفی در ترازوی اخلاق(۲)	۷۹
روایات در ترازوی اخلاق	۸۹
رقص در ترازوی اخلاق	۱۰۳
فقه و اخلاق در ترازو (مصاحبه)	۱۱۹
ضمائم	۱۴۳
ضمیمه(۱): غمی غمناک	۱۴۵
ضمیمه(۲): مباحثه، حاشیه به جای متن	۱۴۹
ضمیمه(۳): تفقه در دین و طایفه فقهاء	۱۵۹
ضمیمه(۴): تهمت در خدمتِ قدرت	۱۶۵
ضمیمه(۵): اینچنین بهتان منه بر اهل حق	۱۷۳
فهرست اعلام.....	۱۸۱

مقدمه

«من به اندازه یک ابر دلم می‌گیرد

وقتی از پنجره می‌بینم حوری

-دختر بالغ همسایه-

پای کمیاب‌ترین نارون روی زمین

فقه می‌خواند»^۱

«از بخت شکر دارم و از روزگار هم». بیش از پانزده سال است که در حوزه نواندیشی دینی می‌اندیشم، قلم می‌زنم و اُفتان و خیزان پیش می‌روم. اولین اثرم در این قلمرو، *آئین در آئینه* بود و متضمن مرور آراء دین‌شناسانه عبدالکریم سروش و به دست دادن مدلی برای فهم فقرات مختلف نظام الاهیاتی و دین‌شناختی این نواندیش دینی و متفکر معاصر. پس از آن، در باب *روشنفکری دینی و اخلاق*، *ترنم موزون حزن*، *حجاب در ترازو*، *ورق روشن وقت*، *صدای سفر آینه‌ها*، *وقت لطیف شن* و *ردّ آبی روایت*، طی دوازده سال گذشته سر بر آورده و پیش روی مخاطبان قرار گرفته‌اند.

چنانکه در می‌یابیم، طی سالیان سپری شده، افزون بر بازخوانی آثار نوادیشان دینی، احیاگران دینی و روشنفکران ایرانی، قلم زدن درباره آن‌ها و برگزاری درس‌گفتارهای متعدد؛ دو پروژه فکری و کارک را، به قدر وسع پی‌گرفته و پیش برده‌ام. اولی موسوم است به عرفان مدرن و حدود و ثغور سلوک معنوی در روزگار راززدایی شده کنونی. در این راستا، با برکشیدن مفاهیمی چون سالک مدرن / سالک سنتی، متافیزیک نحیف، تنهایی معنوی / تنهایی تلخ، ایمان آرزومندانه، ایمان از سر طمانینه، کورمرگی، طنز الاهیاتی ... کوشیده‌ام روایت خود از چند و چون سلوک

۱. سهراب سپهری، هشت کتاب، دفتر «حجم سبز»، شعر «ندای آغاز».

معنوی را تقریر کنم. طی هفت - هشت سال اخیر، شش اثر در این باب منتشر کرده‌ام؛ آخرین آن‌ها / از سهروردی تا سپهری است که دو ماه پیش سر برآورد. از سوی دیگر، ربط و نسبت میان دین و اخلاق، عموماً و رابطه میان فقه و اخلاق، خصوصاً؛ از دل مشغولی‌های جدی دو دهه اخیر من بوده است. روزگاری که در «موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران» و «دانشگاه مفید» قم، «فلسفه اخلاق» تدریس می‌کردم؛ انحاء روابط میان دین و اخلاق را به تفصیل بررسی‌دم و به بحث گذاشتم. پس از آن، از ابتدای دهه نود شمسی که از قضای روزگار ساکن این سوی کره خاکی گشتم و درس و مشق و تحقیق و تدریس را در دپارتمان «مطالعات تاریخی» دانشگاه تورنتو آغاز کردم؛ واکاوی رابطه میان فقه و اخلاق، با محوریت احکام فقهی اجتماعی را در دستور کار خود قرار دادم.

طی نه سال گذشته از توزین احکام فقهی حجاب و ارتداد در ترازوی اخلاق آغازیدم، در ادامه به احکام «سبّ نبی»، «مباهته» و «ازدواج عرفی» و «رقص» پرداختم. هرچه پیش‌تر آمدم، بیشتر با پدیده‌ای مواجه گشتم که بر آن، «الیناسیون دینی» نام نهاده‌ام؛ از خود بیگانگی ای که به نام دین و تحت لوای دیانت و فقاہت صورت می‌گیرد: دینداری و فقاہت بریده از اخلاق. در سده نوزدهم، مارکس از الیناسیونی یاد می‌کرد و نام می‌برد که توسط کارفرمایان و سرمایه‌داران بر طبقه کارگر اعمال می‌شد؛ از خود بیگانگی و الیناسیونی که پاشان و پریشان‌کننده روان کارگران بود و دورشدن‌شان از زندگی اصیل^۱ را در پی داشت. علی شریعتی، نواندیش دینی معاصر، بر همین سیاق، از «از خود بیگانگی فرهنگی» سخن می‌راند؛ الیناسیونی که بیگانه شدن از فرهنگ خودی و سنت ستبر پس پشت و طلب کردن «آنچه خود داشت» را از غیر و بیگانه، بر برجسته می‌کرد. بر همین سیاق، می‌توان «الیناسیون دینی» را بر کشید و از آن سخن به میان آورد.^۲ روا انگاشتن ستاندن

1. authentic life..

۲. محرم امسال، در سخنرانی «عاشورا و الیناسیون دینی» که به صورت مجازی در «حزب اتحاد ملت» ایراد شد، کوشیدم با استشهاد به برخی از سخنان حسین بن علی(ع)، مفهوم «الیناسیون دینی» و فقاہت و دیانت

جان مرتد و سَابَّ النَّبِيَّ، همچنین صدور جواز برای بهتان زدن به دگراندیشان دینی، به روایت نگارنده، مصادیقی از الیناسیون دینی‌اند؛ رفتارهایی که با شهوذهای اخلاقی عرفی، منافات جدی دارند و فرونهادنی؛ که «کافر من گر از این شیوه تو ایمان داری». از پیامبر گرامی اسلام روایت شده است: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»: من برای تتمیم مکارم اخلاق مبعوث شدم. چنانکه در می‌یابم، تمسک جستن به شهوذهای اخلاقی و لحاظ کردن آن‌ها، عین تأسی به میراث نبوی در روزگار کنونی است و قوام بخش مسلمانی توام با مدنیت و مدارا. افزون بر احکام فقهی یاد شده، ربط و نسبت میان روایات و آیات قرآن از دل مشغولی‌های قدیمی نگارنده است. در مقاله «روایات در ترازوی قرآن»، کوشیده‌ام با وام گرفتن مفهوم «اخلاق باور» و تفکیک میان «دلایل راهنمای نظر» و «دلایل راهنمای عمل»، این نسبت را به روایت خویش صورتبندی کرده و ادله‌ای برای آن اقامه نمایم.

طی چند ماه اخیر، به مدد فضای فراهم شده توسط اپلیکیشن «کلاب هاوس» که از آن می‌توان به «رواق مجازی» تعبیر کرد؛ در رواق‌هایی که محملی برای بحث و گفتگواند؛ چندین مناظره با تنی چند از روحانیون و فقه پیشگان درباره مسأله حجاب داشتم. برگزاری این جلسات، اهمیت دو امر را بیش از پیش بر من هویدا کرد: نسبت سنجی میان فقه و اخلاق و از سویی دیگر نسبت سنجی میان قرآن و روایات. خوشبختانه، نواندیشی دینی متأخر، طی ده-پانزده سال اخیر، این موضوعات مهم را برکشیده، برجسته کرده و بدان‌ها پرداخته است.

اثر پیش رو، متضمن جستارهایی است که طی نه سال گذشته، درباره نسبت میان اخلاق و احکام فقهی اجتماعی نگاشته و در ترازوی اخلاق توزین کرده‌ام؛ از «حجاب در ترازوی اخلاق» تا «رقص در ترازوی اخلاق». حسن ختام بخش نخست، مصاحبه مبسوط نگارنده است با محمد موسوی عقیقی فقه پژوه تحت عنوان «فقه و اخلاق در ترازو»، ناظر به جستارهای کتاب و ربط و نسبت میان فقه و اخلاق. پس

بریده و منسلخ از اخلاق را به روایت خویش تبیین کنم. فایل صوتی این سخنرانی در سایت من در دسترس است:

از بخش نخست زمین فقه و آسمان اخلاق، نوبت به بخش ضمایم می‌رسد. جستارهایی که در این بخش قرار گرفته‌اند، تناسب تامی با مقولات فقه و فقیهان و اخلاق دارند.

ناگفته نگذارم که «حجاب در ترازوی اخلاق» پیش از این در حجاب در ترازو منتشر شده؛ «ارتداد در ترازوی اخلاق» و «ازدواج عرفی در ترازوی اخلاق»، «غمی غمناک» و «مباهته: حاشیه به جای متن» در ورق روشن وقت؛ و «روایات در ترازوی قرآن» و «تهمت در خدمت دیانت» در وقت لطیف شن. با عنایت به اینکه آثار فقه شناسانه‌ام طی این سالیان، در آثار پراکنده‌ای منتشر شده‌اند، به پیشنهاد برخی از دوستان همدل و ویراستار محترم، تمام آن‌ها، در این کتاب یکجا کنار یکدیگر نشسته و به نیکی از دغدغه‌ها، دل‌مشغولی‌ها و تطورات فکری نگارنده در این باب پرده بر می‌گیرند. جستار «فقه و اخلاق در ترازو» نیز، سویه‌های مختلف کارک‌های من در این حوزه را کاویده و بر آفتاب افکنده است. تمام مقالات فوق، برای گنجانده شدن در این مجموعه، مجدداً بازخوانی شده و در مواردی، ارجاعات بیشتری بدان‌ها اضافه شده است. نکتهٔ افزون بر این‌ها، گاه مطالبی از آنجا که زمینهٔ مشترکی دارند، تکرار شده‌اند که اکثرشان درباره دستگاه اخلاقی نگارنده است که در مصاحبهٔ اشاره شده، تفصیل آن آمده است.

اگر نبود لطف و محبت بی دریغ محمد موسوی عقیقی، دوست فاضل فقه پژوه عزیز، زمین فقه و آسمان اخلاق، به سامان و سرانجام نمی‌رسید. از این بابت از ایشان صمیمانه سپاسگزارم. همچنین ممنونم از سپهر زارع، مدیر فرهنگ دوست «نشر سهروردی» برای انتشار این اثر. امیدوارم این کتاب به کار علاقه‌مندان به فقه پژوهی و نواندیشی دینی بیاید و سهم خردی در پیش‌برد مباحث ایفا کند.

سروش دباغ

تورنتو- مهر ۱۴۰۰